

Unit 4 book 5

مدیر

مدیر به شخصی گفته می شود که تجارت ، شرکت یا سازمانی را کنترل می کند.
همه در فروشگاه هر آنچه مدیر از آنها خواسته انجام می دهند.

ثروتمند

اگر کسی ثروتمند باشد ، پولدار است.
مردم حومه شهر معمولاً ثروتمندتر از مردم کشور هستند.

حسابرسی

حسابرسی به معنای بازرسی سوابق مالی از یک شخص یا تجارت است.
دولت معمولاً شرکتهایی را که درآمدشان کمتر از حد معمول است حسابرسی می کند.

خودکار کردن

اتوماسیون یک شرکت به معنای نصب ماشین آلات یا رایانه برای انجام کار است.
هنگامی که بانک خودکار شد ، نصب دستگاه های خودپرداز را شروع کرد.

رشوه دادن

رشوه دادن کسی به معنای ترغیب غیرقانونی او برای یک لطف با پول است.
قاضی رشوه داده شد تا وی مظنون را آزاد کند.

فاسد

اگر کسی فاسد باشد ، برای پول یا شهرت قانون شکنی می کند.
پلیس های فاسد این مرد را دستگیر نکردند زیرا او به آنها پول داد.

دور انداختن

دور انداختن چیزی به معنای خلاص شدن از آن است.
او قوطی را با انداختن آن به سطل آشغال دور انداخت.

مرکز فرماندهی

دفتر مرکزی ساختمانی است که روسای یک شرکت در آن کار می کنند.
او مسیر طولانی را به سمت مقر اصلی رانندگی کرد زیرا روز خوبی بود.

مشوق

انگیزه چیزی است که فرد را به انجام کاری وا می دارد.
شانس برنده شدن جایزه انگیزه ای برای جلب توجه مردم به بازی بود.

زیر ساخت

زیرساخت مجموعه ای از خدمات مورد نیاز برای اداره یک جامعه یا تجارت است.
خطوط برق بخشهای مهم زیرساخت های یک شهر هستند.

قانون گذاری

قانون گذاری به معنای وضع قوانین است.

سناتورها باید قانون را منصفانه تنظیم کنند ، بنابراین بیشتر مردم از مزایای آن بهره مند می شوند.

مشروع

اگر چیزی مشروع باشد ، طبق قانون قابل قبول است.
او یک طرح قانونی برای جمع آوری بودجه اضافی برای تعطیلات خود پیدا کرد.

دستکاری کردن

دستکاری چیزی به معنای کنترل یا تأثیرگذاری ماهرانه یا ناعادلانه بر آن است. دکتر داده ها را دستکاری کرد تا به نظر برسد که این دارو درمان می کند.

کالا

متاع کالاهایی است که آماده خرید یا فروش است.
فروشگاه کالاهای بیشتری اضافه کرد زیرا تعداد خریداران بیشتر بود.

خرده فروشی

خرده فروشی فعالیت فروش کالاها به مردم است که اغلب برای استفاده شخصی است.
گرچه ساخت آن ارزان است ، اما وقتی تی شرت به خرده فروشی رسید ، ده برابر آن هزینه می شود.

سود

سود درامدی است که توسط یک شرکت حاصل می شود. محصولات جدید واقعاً سود ماهانه کسب و کار را افزایش داد

آشغال

آشغال زباله است.
کف اطراف سطل زباله با انواع زباله ها پوشانده شده بود.

یارانه

یارانه پولی است که دولت برای کمک به آنها به شرکتها می دهد.
این مقام یارانه ای به این شرکت داد ، بنابراین می تواند دو کارخانه جدید افتتاح کند.

معامله

معامله عملی است برای خرید یا فروش چیزی.
از آنجا که کارمند در کار جدید بود ، معامله ساده مدت زیادی طول کشید.

نقض

زیر پا گذاشتن یک قانون ، قانون یا توافق به معنای نقض آن است.
بلیط به من داده شد زیرا پلیس گفت من سرعت مجاز را نقض کردم.

مدیر فاسد

آقای خوک مدیر یک کارخانه بزرگ بود که انواع مختلفی از کالاها را تولید می کرد. در جلسه ای در مقر شرکت ، روسای وی گفتند که آنها می خواهند کارخانه پول بیشتری کسب کند.

رئیس او ، آقای اسب ، به او گفت: "اگر کارخانه درآمد بیشتری کسب کند ، پس شما هم خواهید کرد." این یک انگیزه عالی بود. پیگ همیشه دوست داشت به اندازه روسای خود ثروتمند باشد.

آقای خوک به کارخانه بازگشت و شروع به ایجاد تغییرات کرد. با این حال ، اکثر آنها بسیار خوب نبودند ، و برخی از آنها مشروع نبودند.

ابتدا همه کارمندان خود را اخراج کرد. سپس او کل کارخانه را اتوماتیک کرد. اکنون ماشین آلات همه چیز را می ساختند و سایر حیوانات ، آقای خرگوش ، آقای گوسفند و آقای سگ هیچ شغلی نداشتند. بعداً ، او به برخی از سناتورهای فاسد رشوه داد تا یارانه های ویژه کارخانه را تصویب کنند. سرانجام ، او به جای پرداخت به یک شرکت برای دفع زباله های کارخانه به طور صحیح ، با انداختن آن به رودخانه برای صرفه جویی در هزینه قانون را نقض کرد.

در ابتدا ، تمام تغییرات در زیرساخت های کارخانه درآمد بیشتری ایجاد می کرد. اما به زودی بسیاری از فروشگاه ها دیگر نتوانستند کالاهای کارخانه را به صورت خرده فروشی بفروشند. به نظر می رسید که ماشین آلات نمی توانند مانند کارگران محصولات تولید کنند. مشتریان از کالاهای کارخانه ناامید شدند.

مشکلات دیگری نیز وجود داشت. این حیوانات به دوستان و خانواده خود گفته بودند که دیگر از خرید کالاهای کارخانه جلوگیری کنند. مقامات زباله های کارخانه را در رودخانه کشف کردند و هنگامی که آنها شرکت را حسابرسی کردند ، متوجه شدند که پیگ برای بدست آوردن پول بیشتر قانون را دستکاری کرده است.

همه معاملات با کارخانه پیگ متوقف شد. کارخانه ضرر کرد و خوک هم کار خود را از دست داد او خیلی دیر متوجه اشتباهات خود شد. او سعی کرده بود با پس انداز پول از هر طریق ممکن ثروتمند شود ، اما ارزانترین راه همیشه بهترین نیست.